

## بررسی ریشه‌های معنایی درخت طوبی در منابع شیعی

هادی صفایی‌پور / دانشجوی دکتری معماری دانشگاه تربیت مدرس / Hadisafaeipour@yahoo.com

غلامحسین معماریان / استاد دانشگاه علم و صنعت / Memarian@iust.ac.ir

محمدرضا بمانیان / استاد دانشگاه تربیت مدرس / Bemanian@modares.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۶/۱۳ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۹

### چکیده

در عصر صفوی با حاکمیت نظام مفهومی جدید، عناصر پیشین هنری و معماری، پذیرای معانی و شکل‌های تازه‌ای شدند. یکی از نمودهای این دگرگونی معنایی، تغییراتی است که در نمای شهری، شکل، سازه و آرایه‌های داخلی و خارجی گنبدهای شاخص صفوی ایجاد شد. هانری استیرلن، با اشاره به دو گنبد شاخص مسجد جامع عباسی و مدرسه سلطانی اصفهان، آنها را نمادی از درخت طوبی می‌داند که در خط آسمان باغ‌شهر صفوی به نمایش درآمده‌اند. مقاله حاضر، به‌منزله مقدمه‌ای برای معناشناسی گنبدهای شاخص صفوی، به بازشناسی مفهوم درخت طوبی در فرهنگ شیعی می‌پردازد. بدین منظور، منابع اصلی که سازنده جهان فکری و فرهنگی تشیع در عصر صفوی هستند، با روش توصیفی - تحلیلی بررسی خواهند شد. تحلیل کیفی و مقایسه توصیفات و تفاسیر منابع فوق، موجب ادراک معنای درخت طوبی در زمینه تاریخی خود و معرفی مشخصه‌های آن می‌گردد. یافته نهایی این مقاله در پژوهش‌های آتی، زمینه فهم دقیق‌تر گنبدهای شاخص صفوی را فراهم می‌سازد. کلیدواژه‌ها: درخت طوبی، گنبد، معماری شیعی، معماری اسلامی، معماری صفوی.

### مقدمه: نمادپردازی در معماری شیعی

معماران و هنرمندان مسلمان در معماری دوران اسلامی، با بهره‌مندی از سرچشمه‌های وحیانی و مبانی حاصل از آن، معانی و پیام‌های مورد نظر خویش را بیان می‌کنند. در هستی‌شناسی اسلامی، هستی از عوالم چندگانه‌ای تشکیل شده که عالم طبیعت در پایین‌ترین مرتبه و ذات الهی در بالاترین آن است. در بین این دو، عالم مثال یا ملکوت قرار دارد. براساس رابطه‌ای طولی، معنای هر پدیده در عالم طبیعت را در عوالم بالاتر می‌توان یافت. از این منظر، هر پدیده‌ای در عالم طبیعت، سایه و تصویر حقیقتی در عوالم بالاتر است که به عنوان یک نماد و نشانه، از وجودی در عوالم فرادست خود حکایت می‌کند.

با وجود سابقه مفهوم عالم مثال در اندیشه‌های اسلامی،<sup>۱</sup> این مفهوم در جامعه شیعی صفوی، به علت وجود نظام منسجم و یکپارچه علمی، حکمی و فلسفی حاصل از مکتب اصفهان، جایگاهی خاص می‌یابد (نصر، ۱۳۶۵، ص ۴۴۵) و عناصر هنری و معماری، برای ایجاد تصویری مثالین، همچون نسجی واحد به هم پیوند می‌خورند. در حقیقت نقش معنوی و نمادین اندام‌های معماری، پیش از صفویه تنها در نقاط خاصی از بناها دیده می‌شود، اما نقشی که در تدوین مجدد فضای معماری در این عصر روی داد، به هر یک از اندام‌های معماری در بناهای گوناگون و به ویژه در بناهای همگانی، در یک نظام مفهومی واگذار گردید و این امر تا آن جا ادامه یافت که بر کالبد بنا اثر گذاشت و با آن ترکیب گشت. (فلامکی، ۱۳۷۵، ص ۴۰۳) براین پایه، اندام‌های مختلف شهر، به گونه‌ای طراحی شدند که هر یک به منزله یک نشانه تصویری، گوشه‌ای از باغ بهشت را مجسم سازند و به مثابه

---

۱. در طرح مفهوم عالم مثال در اندیشه‌های اسلامی، شیخ اشراق، شهاب‌الدین سهروردی در مرتبه نخست قرار دارد. اما پیش از وی، نخستین پایه‌های آن را در هستی‌شناسی بوعلی سینا باید جستجو کرد. به گفته کرین «تصور این جهان میانجی را در همه متفکران، از سهروردی (قرن ۱۲م) تا صدرای شیرازی (قرن ۱۷م) و ملاهادی سبزواری (قرن ۱۹م) و بسیاری دیگر تا به امروز می‌توان دید». (کرین، ۱۳۷۲، ص ۶۰)

یک کل واحد، آینه‌ای از حقیقت باغ بهشت گردند (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۶۱) بنابراین در نمادپردازی شیعی، اشکال و اندام‌های پیشین به عنوان میراثی فنی، هنری و معنایی انتقال یافته، در یک زمینه معنایی جدید، دگرگون می‌شوند. لذا در این عصر، قوس، تاق، گنبد و حیاط، با تغییراتی در شکل، رنگ، نقش و در برخی موارد ساختار خود، محمل معانی تازه شیعی می‌گردند.

### گنبد صفوی: میراثی کهن، محمل معنایی نوین

گنبد در میان اندام‌های اصلی شکل‌دهنده به معماری اسلامی ایران، یکی از اندام‌های شاخص به شمار می‌رود که از پیش از اسلام، در سازمان‌دهی فضاهای عمومی و مذهبی نقش ویژه‌ای داشته است. این اندام در معماری دوران اسلامی، با پوشش مهم‌ترین فضای مسجد، از اولویت دوچندانی برخوردار می‌شود؛ از یک سو با شکل‌دهی جرزها و اندام‌های باربر، بر کیفیت فضاهای داخلی تأثیر می‌گذارد (ابوالقاسمی، ۱۳۶۶، ص ۳۶۲) و از سوی دیگر، فضاهای شهری را به عنوان یک نشانه شهری از خود متأثر می‌کند.

در عصر صفوی، با حاکمیت نظام معنایی جدید در شهر اصفهان، نقش و جایگاه گنبدهای شاخص شهری، تغییرات محسوسی می‌نماید. مطالعه معناشناسانه نمای شهری، ترکیب معماری، سازه و آرایه‌های این گنبدها بر چنین امری دلالت دارند. (صفایی‌پور و پورمند، ۱۳۹۱)<sup>۱</sup> برای نمونه، به دو گنبد شاخص مسجد جامع صفوی (امام اصفهان) و مدرسه سلطانی (چهارباغ اصفهان) می‌توان اشاره کرد.

هانری استیرلن با چنین رویکردی، با نگاه و روشی متفاوت نسبت به دیگر پژوهش‌گران سنت‌گرا، به معنای جدیدی در گنبدهای صفوی اشاره می‌نماید. ویژگی شیوه‌وی، شناختی است که به صورت میدانی و از میان اجزا و فضاهای مختلف بناها به دست

۱. برای مطالعه نحوه تغییر اندام‌های معمارانه و تزئیناتی در گنبدهای صفوی نک: صفایی‌پور و

می‌آید. وی در این روش، با تأکید بر چند اثر شاخص شهر اصفهان صفوی، جزئی‌ترین عناصر این بناها را بررسی کرده و بدین ترتیب بر عمق تحلیل‌های خود افزوده است. دیگر تفاوت روش او، توجه عمیق به اندیشه و فرهنگ شیعی است که به رمزگشایی و کشف معانی خاص تشیع در بنا منتهی می‌شود. استیرلن با چنین رویکردی، موفق به سفر به اندیشهٔ معماران شیعه می‌گردد. وی گنبدهای شاخص عصر صفوی را نمادی از درخت طوبی می‌داند و بیان می‌کند:

این درخت، در متن باغ بهشت که مسجد نمایندهٔ آن است، همان «درخت زندگی» همیشگی مشرق‌زمین است ... گنبد یک نشانه است. بندرگاهی طبیعی است؛ جان‌پناهی که دور از دست‌ها و اعماق بیابان تشخیص داده می‌شود. درخت بهشت است؛ برج نشانه‌ای است که خبر از وجود چشمه آب حیات می‌دهد؛ مرکز دنیاست. (استیرلن، ۱۳۷۷، ص ۱۶۸)

وی در ادامه، با اشاره به گفته کربن چنین استناد می‌کند:

سنت‌های مشترک تمام تشیع بر آن است که شاخه‌های درخت طوبی بر فراز بلندترین مناطق بهشت آویخته است. بدین ترتیب اهمیت تزیین شاخ و برگ‌های بزرگ پوشاننده گنبد کاشی‌کاری شده مسجد آشکار می‌شود. (همان، ۱۷۴)

به منظور فهم ارتباط معنایی نماد «درخت طوبی» با گنبدهای شاخص صفوی، پیش از هر تحلیلی، باید به ریشه‌های مفهومی این نماد در فرهنگ شیعی پی برد. این موضوع، پرسش اصلی مقاله حاضر را شکل می‌دهد. برای یافتن پاسخ، در ادامه مهم‌ترین منابع فکری شیعه با روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌شوند. این منابع نوشتاری عبارتند از قرآن (مهم‌ترین منبع فکری جامعه اسلامی)، منابع روایی (دیگر منبع فکری در جامعه شیعی)، آراء اندیشه‌ورزان تأثیرگذار بر جامعه صفوی، آثار ادبی هنرمندان صفوی و تفاسیر اسلام‌شناسان معاصر، از مطالعه این منابع، دست‌یابی به نگرشی درونی حاصل می‌شود که می‌تواند مفهوم درخت طوبی در عصر صفوی را روشن سازد.

### تحلیل معنای طوبی در فرهنگ شیعی

برای شناخت مفهوم درخت طوبی، باید لایه‌های مختلف معنایی آن را با مراجعه به منابعی بازشناسی نمود که فضای فرهنگی تشیع در عصر صفوی را تشکیل می‌دهند. بدین منظور ابتدا مفهوم «شجره ولایت» در تعالیم شیعی، پس از آن واژه طوبی و واژگان قرین آن در قرآن و منابع روایی بررسی می‌گردند. سپس به معنای طوبی در آراء سهروردی پرداخته می‌شود. تحلیل و مقایسه توصیفات و تفاسیر این منابع، مشخصه‌های درخت طوبی را روشن خواهد ساخت.

### الف) شجره ولایت در مفاهیم شیعی

اصل وحدت، یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در شهر اسلامی است. (بمانیان، ۱۳۸۶، ص ۳۷) این مفهوم که بر مبنای پذیرش ولایت تکوینی و تشریحی خداوند استوار می‌گردد، اجزا و عناصر شهر را همچون نسجی واحد به مبدأ و مقصد هستی پیوند می‌زند. اما در معتقدات شیعه، افزون بر ولایت خدا و پیامبر ﷺ، ولایت امام و صاحبان امر نیز تنفیذ می‌گردد.<sup>۱</sup> بر این اساس، هدایت انسان‌ها پس از پیامبر ﷺ نیز همواره ادامه می‌یابد<sup>۲</sup> و در زمین، «انسان کامل» معصومی حضور دارد که حجت خداوند در زمین است و هدایت تشریحی انسان را به دست می‌گیرد. چنین انسانی، «ولی‌الله» است که در جمیع شئون توجه الهی را تأمین می‌نماید. به بیان دیگر، «ولی‌الله در مبدأ کار و پایان کار و فاصله بین آغاز و انجام کارهای خود متوجه خداوند است». (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۳۱۳) بدین ترتیب، چنان‌که در صلوات شعبانیه نیز پیامبر اکرم ﷺ و خاندانشان با عبارت «شجره النبوة» خطاب

۱. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ». (نساء: ۵۹)

۲. علی بن الحسین علیه السلام می‌فرماید: اگر فردی از ما در زمین نبود، زمین اهلش را فرو می‌برد. (مجلسی،

شده‌اند،<sup>۱</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام، سرسلسله‌دار شجره‌ای هستند که از حضرت آدم علیه السلام آغاز شده و تا به امروز با امامت حضرت مهدی (عج) ادامه دارد.

عرفا و متصوفه، به حضور مداوم و مستمر «انسان کامل» اعتقاد و بر آن تأکید دارند و به مثابه زنجیره‌ای پی‌درپی، به عنوان آموزه‌ای شیعی، از آن استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup> بر این پایه در هر دوره‌ای، یک انسان کامل وجود دارد که حامل معنویت کلی انسان‌هاست، که متصوفه از آن تعبیر به «قطب» می‌کنند.<sup>۳</sup> (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۳)

با مرور نصوص و تحلیل اندیشه‌وران مسلمان، کانونی فرازمانی و فرامکانی از مفهوم «ولی الله» استنباط می‌شود که رابطه همه عناصر و اشیا از طریق آن تنظیم و تعریف می‌گردد. «در هر لحظه از تاریخ، قطب عالم وجود دارد که واسطه برکت آسمان بر زمین و حاکم جهان است. وجود او همان حضور الهی در مرکز عالم یا در مرکز عالمی خاص و یا در مرکز نفس انسانی به مقتضای مراتب مختلف است.» (کربن، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵)

ملاصدرا، یکی از کلیدی‌ترین حلقه‌های بحث را تفسیر کرده که روشن‌کننده مسیر این پژوهش است. وی شجره ولایت را با شجره بهشتی طوبی مقایسه کرده که ریشه‌اش در خانه حضرت علی علیه السلام و شاخه‌هایش در خانه مؤمنان گسترده شده است. همه علوم باطنی، میوه‌های درخت ولایت آن حضرت به شمار می‌آیند؛ زیرا دارنده علم تأویل است.

۱. «اللهم صل علی محمد و آل محمد، شجرة النبوه و موضع الرسالة و مختلف الملائكة».

۲. هانری کربن برای پرسش سؤالاتی در مورد تصوف به محضر علامه طباطبایی می‌رود. وی در مورد منشأ اعتقاد به قطب در صوفیه سؤال می‌کند و می‌پرسد که ریشه آن در متصوفه است یا از تشیع برگرفته شده است؟ ایشان پاسخ می‌دهند که این مسأله از زمانی در شیعه مطرح شد که تصوف هنوز صورتی به خود نگرفته بود. (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۳)

۳. قطب صفتی است که در آیین تصوف به شیخ بزرگ یک دوره (حتی به شیخ یک همایش درویشی یا طریقت) داده می‌شود ... از این رو، در آیین تصوف شیعی، قطب نماینده امام پنهان به شمار می‌آید. (کربن،

(ملاصدرا، ۱۲۸۲) نیز بنابر تعبیر مولانا کاشفی سبزواری،<sup>۱</sup> سرچشمه این زنجیره ولایی - چه در تشیع و چه در فرقه‌های تصوف - حضرت علی علیه السلام هستند که هر قطب یا شیخی، روح ولایت را از ایشان دریافت نموده است. (کاشفی سبزواری، ۱۳۵۰، ص ۶) براین اساس، وجود حضرت علی علیه السلام، مبدأ و منشأ شجره کیهانی است که روح هدایت را در کیهان منتشر و هستی را از آن بهره‌مند می‌سازد.

### ب) واژه طوبی و مفاهیم قرین آن در قرآن

به‌جز واژه طوبی، تعابیر و واژه‌های دیگری نیز در قرآن آمده که در کنار یک‌دیگر، تصویری منسجم از معانی ظاهری و باطنی طوبی ارائه می‌کنند. در ادامه، این واژگان در آیات مربوطه معرفی می‌شود:

#### ۱. واژه طوبی

واژه طوبی در قرآن، تنها یک‌بار در آیه ۲۹ سوره رعد آمده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجْرُهُمْ»؛ «آنان که به خدا ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است؛ و بهترین سرانجام‌ها». این واژه در زبان عربی، به معنای «پاکیزه‌تر» است.<sup>۲</sup> مفسران معانی متعددی برای این کلمه ذکر کرده‌اند؛ تا آن‌جا که در مجمع‌البیان، ده معنا برای آن بیان شده است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، به این ده

۱. فتوت‌نامه سلطان، رساله‌ای است که حسین واعظ کاشفی درباره فتوت و آداب آن و رابطه‌اش با تصوف در ایران نوشته و در ورزش‌های پهلوانی کاربرد داشته است.

۲. بسیاری از مفسران بزرگ، کلمه «طوبی» را مونث «اطیب» دانسته‌اند که مفهومش بهتر و پاکیزه‌تر یا بهترین و پاکیزه‌ترین است، با ذکر جمله «طوبی لهم»، همه نیکی‌ها و پاکی‌ها برای آنان پیش‌بینی شده است؛ از همه چیز بهترینش. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۴۸۸)

ترجمه اشاره می‌کند که بیشتر آنها، ترجمه لفظی آیه بوده و به معنای زندگی پاک و فرح‌بخش و بهترین سرانجام برای کسانی است که ایمان می‌آورند و عمل صالح انجام می‌دهند. ایشان می‌گویند:

طوبی درختی است در بهشت که ریشه‌اش در منزل رسول خدا ﷺ می‌باشد و در خانه هر یک از مؤمنین شاخه‌ای از آن وجود دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۴۸۹)

ابن عباس در تفسیر این آیه، از قول پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل می‌کند:

در شب معراج هنگامی که داخل بهشت شدم، درختی را دیدم که هر برگ از آن، دنیا و آنچه در دنیاست را می‌پوشانید و در هر برگ آن هم زیورآلات و غذا وجود داشت؛ هیچ قصر و خانه‌ای در بهشت نبود، مگر این‌که شاخه‌ای از این درخت، در آن قصر یا خانه موجود بود و زیور و غذای صاحب آن قصر یا خانه، از این درخت تأمین می‌شد. پس گفتم: «ای جبرئیل، این درخت چیست؟» گفت: «این درخت طوبی است و خوشا به حال تو و بسیاری از امت تو!» گفتم: «انتهای این درخت (اصل آن) کجاست؟» گفت: «اصل این درخت در وجود پسرعمویت علی بن ابی‌طالب (ع) است.»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۱۵۰)

تفسیر نمونه نیز به معنای درخت طوبی اشاره می‌نماید:

---

۱. عن ابن عباس رضی الله عنهما: «طوبی لهم و حسن مآب؛ قال النبي صلی الله علیه و آله: لما أسرى بي فدخلت الجنة فإذا أنا بشجرة كل ورقة منها تغطي الدنيا و ما فيها تحمل الحلى و الحلل و الطعام ما خلا الشراب و ليس في الجنة قصر و لا دار و لا بيت إلا فيه غصن من أغصانها و صاحب القصر و الدار و البيت حليه و حلله و طعامه منها. فقلت: يا جبرئيل؛ ما هذه الشجرة؟ قال: هذه طوبی لك فطوبی لك و لكثير من أمتك. قلت: فأين منتهاها (يعني أصلها) قال: في علي بن ابی‌طالب ابن عمك رضی الله عنهما.



طوبی درختی است که اصلش در خانه پیامبر ﷺ یا علی علیه السلام است و شاخه‌های آن همه جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز همه خانه‌هایشان گسترده است که در واقع ممکن است تجسمی از آن مقام، رهبری و پیشوایی آنان و پیوندهای ناگسستنی میان این پیشوایان بزرگ و پیروانشان باشد که ثمره آن، آن همه نعمت گوناگون است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۰)

## ۲. شجره طیبه

آیه ۲۴ سوره ابراهیم نیز در توصیف کلمه طیبه، آن را به درختی پاک تشبیه می‌کند: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ» اما همچون آیات پیشین، سواى ترجمه لغوی این آیه، لازم است تفاسیری ناظر بر باطن آیه نیز بررسی شود. از امام صادق علیه السلام درباره تفسیر آیه «عند سدرۃ المنتهی» سؤال شد. ایشان در پاسخ، آیه ۲۴ سوره ابراهیم را خواندند و فرمودند:

رسول خدا ﷺ، بن و ریشه، امیر مؤمنان علیه السلام، تنه، حضرت فاطمه علیها السلام فرع و پیشوایانی از دودمانشان شاخه‌ها و پیروان آنان، برگ‌های آن درختند.

سلیمان پرسید: «فدایت شوم! نام‌گذاری آن درخت به «سدرۃ المنتهی» به چه اشاره دارد؟» فرمودند:

به خدا سوگند! دین، به آن پایان می‌پذیرد. کسی که از آن بهره‌ای نگیرد، اهل ایمان و از پیروان ما نیست. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۴، ص ۱۳۹)

۱. «آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه و گفتار پاکیزه را به درختی پاکیزه مثال زده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه آن در آسمان است؟»

۲. اشاره به آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» که در روز غدیر بر پیامبر ﷺ نازل گردید.

### ۳. واژه سدره المنتهی

به جز واژه طوبی، عبارت دیگری در قرآن در آیه ۱۴ و ۱۵ سوره نجم به کار رفته که به درختی بهشتی اشاره دارد: «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى \* عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى»؛ «مقام سدره المنتهی، بهشتی که مسکن متقیان همانجاست». پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این درخت را «درختی بهشتی» توصیف می‌فرمایند که در شب معراج در سرای حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ با آن رویارویی داشته‌اند.<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۸، ص ۴۰۸)

این آیات، نشان می‌دهد که طوبی در قرآن، معنایی لغوی و عام (زندگی خوش، خوشا به حال) و معنایی اصطلاحی و خاص (درخت بهشتی) و معنایی تفسیری (حقیقت ولایت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمومنین عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ) دارد و می‌توان گفت که معنای اصطلاحی آن از معنای لغوی گرفته شده است. از این رو، درخت طوبی، در تفاسیر تجلی پاداش عمل مشترک همه بهشتیان، یعنی ولایت خدا، پیامبر و امامان خوانده شده که بر حقیقت بهشت و بهشتیان احاطه دارد.

### ج) مفهوم طوبی در منابع روایی

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [در خبرهای معراجیه] فرمودند:

آن جا [بهشت] درختی است [که به قدری عظمت دارد] که اگر پرنده‌ای از پایین تا بالایش پرواز کند، چهل سال طول می‌کشد و در بهشت خانه‌ای نیست مگر آن که شاخه‌ای از آن درخت در آن است. گفتم: «این چیست؟» جبرئیل عرض کرد: «این درخت طوبی است؛ همان طور که خداوند فرمود: «طُوبَى لَهُمْ وَحَسَنُ مَا بٍ».

۱. اثبات المعراج: «إني أنا الله لا إله إلا أنا وحدي، محمد صفوتي أبدته بوزيره و نصرته بوزيره فقلت

لجبرئيل: «و من وزيره» فقال: «علي بن ابي طالب...». (مجلسی، ۱۳۶۲، باب ۳)

احادیث مرتبط با توصیف بهشت، به درخت طوبی و ویژگی‌های آن در کتاب بحارالانوار ذکر شده‌اند. این ویژگی‌ها به صورت خلاصه عبارتند از:

۱. این درخت، به دست رسول خدا ﷺ غرس شده است. ریشه آن در خانه پیامبر ﷺ و محل اصلی‌اش خانه حضرت علی علیه السلام در بهشت است.<sup>۱</sup>
۲. شاخه‌های این درخت به تمامی غرفه‌های بهشت نفوذ می‌کند.
۳. سایه این درخت تمامی بهشت را می‌پوشاند و سایه گسترده (و ظل ممدود<sup>۲</sup>) دارد. هر میوه از آن که چیده می‌شود، بلافاصله میوه دیگری به جایش می‌روید. (لامقطوعه و لا ممنوعه<sup>۳</sup>)
۴. میوه‌های درخت طوبی، خوردنی، پوشیدنی و تزئینی است.
۵. ریشه درخت از «صفوان» است و از چشمه تسنیم (خوش‌گوارترین چشمه بهشتی) سیراب می‌شود.

۶. خنکی این درخت، خنکی کافور و طعم آن زنجبیل است. (مجلسی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴-۱۴۳)

بنابراین، حقیقت معیشت طوبی، همان ولایت خدای سبحان است و حضرت علی علیه السلام صاحب آن ولایت و از میان امت پیامبر ﷺ، او اولین گشاینده در آن است و مؤمنان اهل ولایت، پیروان او هستند. خانه او در بهشت نعیم که بهشت ولایت است، با خانه پیامبر ﷺ یکی است و تراحم و اختلافی میان آن دو نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۷، ص ۳۶۹)

---

۱. از رسول خدا ﷺ درباره طوبی پرسیدند، فرمود: «درختی است که ریشه‌اش در خانه من است، و شاخه‌هایش بر اهل بهشت پخش شده است». مرتبه دیگر پرسیدند، فرمود: «درختی است که ریشه‌اش در خانه علی علیه السلام است و چون از علت اختلاف این دو پاسخ پرسیدند، فرمود: «خانه من و خانه علی در بهشت در مکان واحدی است». (مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۲۹۱)

۲. این عبارت به آیه ۳۰ سوره واقعه، در توصیف نعمت‌های بهشتی اشاره دارد.

۳. این عبارت به آیه ۳۳ سوره واقعه، در توصیف نعمت‌های بهشتی اشاره دارد.

## د) درخت طوبی در ماه شعبان

در کتاب *مفاتیح الجنان*، روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت ماه شعبان ذکر شده که معانی باطنی درخت طوبی در فرهنگ شیعی را نمایان می‌سازد:

به درستی که خداوند عزوجل در روز اول ماه شعبان، امر می‌کند به درهای بهشت، پس باز می‌شوند و امر می‌کند درخت طوبی را، پس شاخه‌های خود را به این دنیا نزدیک می‌کند. آن‌گاه ندا می‌دهد که «ای بندگان خدا، این شاخه‌های درخت طوبی است؛ پس در آویزید به او که بلند کند شما را به سوی بهشت.

سپس در ادامه تشریح می‌کند که تمسک به هر یک از اعمال نیک در ماه شعبان، به مثابه آویخته شدن به یکی از شاخه‌های آن است و در این صورت، شاخساران درخت طوبی، فرد را به سوی بهشت حرکت خواهند داد. (قمی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۶-۲۶۹) براین اساس طوبی، درختی بهشتی است که سرمنشأ تمامی خیرات و نیکی‌هاست و در ماه شعبان، شاخساران خود را برای تنعم بندگان می‌گسترانند.

در این جا پاسخ به سؤالی دیگر، در فهم عمیق‌تر موضوع راه‌گشاست. چه تناسبی میان ماه شعبان و درخت طوبی وجود دارد؟ پاسخ این پرسش نیز در همین بخش از کتاب *مفاتیح الجنان* یافت می‌شود. در این منبع، احادیث مختلفی ماه شعبان را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منتسب کرده‌اند. برای نمونه، در روایتی از امام سجاد علیه السلام عنوان شده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «شعبان ماه من است، پس روزه بدارید؛ در این ماه برای محبت پیغمبر خود و برای تقرب به سوی پروردگار خود...». هر کس شعبان را برای محبت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و تقرب به سوی خدا روزه بگیرد، خدا او را دوست دارد و او را به کرامت خود در روز قیامت نزدیک گرداند و بهشت را بر او واجب سازد. (همان، ص ۲۵۵-۲۵۶) هم‌چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری از قول خدا می‌فرمایند: «ماه رجب ماه من، ماه

شعبان ماه پیامبر ﷺ و ماه رمضان، ماه بندگان من است». روایات یادشده به طور روشن، به سه حکم و معنای متناظر اشاره می‌کنند که در این نمودار آمده است:



نمودار ۱. معنای طوبی براساس توصیفات مربوط به ماه شعبان

مقایسه توصیفات فوق و مفاهیم باطنی آن‌ها در روایات مختلف مربوط به ماه شعبان، نشان از معنای تأویلی درخت طوبی دارد. براین اساس طوبی، نمادی از حقیقت وجودی پیامبر ﷺ و درخت ولایت به شمار می‌آید که سازنده بهشت و محقق‌کننده آن است. بدین ترتیب نزول این درخت در ماه شعبان، به معنای توجه ویژه به وجود مبارک پیامبر اکرم ﷺ در این ماه و انجام دادن کارهای خیر با توسل به ایشان است.

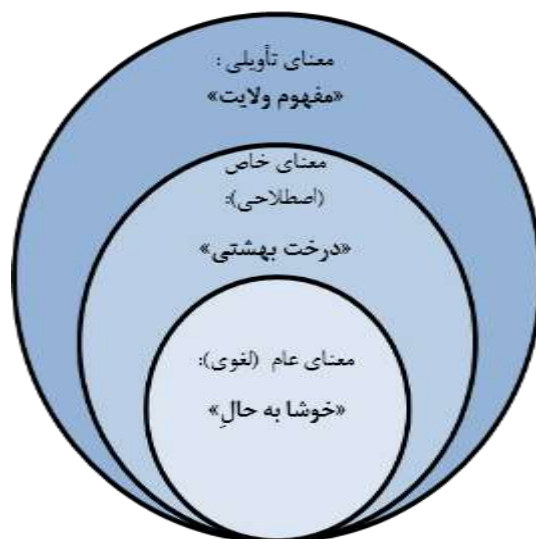
#### ه) مفهوم طوبی در آراء سهروردی

مطالعه متون حکمی، ادبی، فلسفی و عرفانی تأثیرگذار بر سیاق عصر صفوی، می‌تواند تصویر روشن‌تری از چیستی درخت طوبی در این عصر ترسیم کند. اما با توجه به محدودیت‌های این مقاله، در ادامه تنها این مفهوم در نوشته‌های منسوب به سهروردی بررسی می‌شود. حضور سهروردی و پیروانش در شهر اصفهان (۵۵۰-۵۸۷ ق)، زمینه‌ساز آثار ماندگاری بر بسترهای نظری صفوی شد. توصیفات نمادین وی در مورد ویژگی‌های بهشت مثالی، در هنرهای مختلف مکتب اصفهانی بروز یافته است. وی در رسالات خود و مخصوصاً در

آواز پر جبرئیل، به وجودهای مثالی اشاره دارد که ذهن نورانی انسانی می‌تواند شاهد آن باشد. او در کتاب عقل سرخ نیز از عالم مثال و ویژگی‌های مکانی آن سخن می‌گوید و آن‌چه را که در سفر اشراقی خود دیده، نشان می‌دهد. او در این سفر، به سرزمین تمثیلی می‌رسد که عناصری چون کوه قاف، درخت طوبی، آب، سیمرخ، غرفه‌ها و دیگر عناصر خاص خود را دارد. سهروردی در این کتاب، در بخش‌های مختلفی به واژه درخت طوبی می‌پردازد و آن را این‌گونه توصیف می‌نماید.

پس پیر را گفتم: «درخت طوبی، چه چیزی است و کجا باشد؟» گفت: درخت طوبی، درختی عظیم است؛ هر کس که بهشتی بود، چون به بهشت رود، آن درخت را در آن‌جا ببیند و در میان یازده کوه که شرح دادیم، کوهی است، او در آن کوه است.» گفتم: «آن را هیچ میوه بود؟» گفت: «هر میوه‌ای که تو در جهان می‌بینی، بر آن درخت باشد و این میوه‌ای که پیش توست، همه از ثمره اوست.» (سهروردی، ۱۳۸۳، ص ۸)

هم‌چنین سهروردی در حکایت ملک ارغوانی، به درخت طوبی اشاره دارد. (همان)



نمودار ۲. لایه‌های معنایی طوبی در اشعار فارسی

### و) مفهوم طوبی در گزیده‌ای از اشعار فارسی

در ادامه مفهوم واژه طوبی در میان گزیده‌ای از اشعار فارسی بررسی می‌گردد. این‌کار می‌تواند ذهنیت عمومی از این مفهوم را در عصر صفوی بازنمایی نماید. برای برخورداری از روایی بالا، اشعار از سه دسته شعرای قبل، بعد و هم‌زمان با عصر صفوی انتخاب شدند که متعلق به ناصر خسرو (قرن ۵)، منوچهری (قرن ۵)، سنایی (قرن ۵ و ۶)، نظامی (قرن ۶)، خاقانی (قرن ۶)، عطار (قرن ۷ و ۸)، سعدی (قرن ۷)، مولوی (قرن ۷)، حافظ شیرازی (قرن ۸)، اوحدی مراغه‌ای (قرن ۸)، شیخ بهایی (قرن ۱۰ و ۱۱)، هاتف اصفهانی (قرن ۱۲) و نشاط اصفهانی (قرن ۱۳) هستند. شعرهای انتخابی، از هر دو گروه شاعران تشیع و تسنن است و قالب‌های مختلف شعری را دربرمی‌گیرند.<sup>۱</sup> تحلیل این اشعار، نشان می‌دهد که واژه طوبی در سه سطح معنایی، به کار رفته است:

۱. در معنای عام (لغوی) به کار رفته و به معنای «خوشا به حال» است. طوبی در این موارد، معمولاً در ترکیب «طوبی لهم» ظاهر می‌گردد. در بیت زیر، طوبای نخست به معنای لغوی و طوبای دوم به معنای اصطلاحی است:

طوبی لهم که بر سر طوبی نهاده‌اند      زادره و ذخیره این وادی مهیب  
(عطار)

۲. در معنای خاص (اصطلاحی) به کار رفته و به معنای «درخت بهشتی» است. برخی از این اشعار، طوبی را با معشوق یا موصوف زیبایی دیگری مانند کاخ یا باغ مقایسه می‌کنند و برخی دیگر، به وجود آن درخت و یا ویژگی‌های آن اشاره دارند. بارزترین ویژگی‌های درخت طوبی در این دسته از اشعار، «رعنایی (بلندقامتی)» و «سایه‌گستری» است. در مرتبه بعدی، به ویژگی‌هایی چون زیبایی، پرباری، موزونی و سرسبزی اشاره می‌کنند:

۱. جست‌وجو در اشعار شعرای مذکور از طریق سایت گنجور انجام شده است. از آن‌جا که ثبت مستندات مربوط به اشعار بررسی‌شده موجب طولانی شدن این بخش می‌گردید، از آوردن آنها در این نوشتار خودداری شده است.

باغ بهشت و سایه طوبی و قصر خلد      با خاک دوست برابر نمی‌کند  
(حافظ)

۳. در معنای تأویلی به‌کار رفته است و به مفهوم ولایت مستتر در درخت طوبی اشاره

دارد:

ای تو همه را ولی نعمت      بر ما ز همه کسان فزون‌تر  
در سایه‌ات ای درخت طوبی      ما راست سعادت مکرر  
(مولوی)

#### نتیجه

مرور منابع شیعی، نشان می‌دهد که «درخت طوبی» و هم‌چنین عبارات قرین آن در قرآن - «شجرة الطیبه» و «سدرۃ‌المنتهی» - معرف درخت سلسه ولایت است که از وجود پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام آغاز شده و تا امام دوازدهم (عج) ادامه می‌یابد. از بررسی تفاسیر قرآن و منابع روایی، برمی‌آید که این درخت مانند بسیاری از نمادهای معرفی شده در هنر دینی، در ورای صورت نمادین خود، حقایقی را بیان می‌کند که در عالم ملکوت متجلی خواهند شد و بیان نمادین آن در قالب یک درخت مقدس، تصویری تنزل‌یافته از این حقیقت در عالم مثال است. از این‌رو، برای معناشناسی آن باید از ظاهر توصیفات عبور کرد و با استفاده از روش تأویلی، به مفاهیم باطنی و هسته معنایی آن‌ها نظر انداخت. براین اساس، مهم‌ترین ویژگی‌های مفهومی هفت‌گانه درخت طوبی و مفاهیم متناظر آن را به شرح جدول زیر می‌توان تبیین نمود:



جدول ۱. ویژگی‌های باطنی و ظاهری درخت طوبی در منابع شیعی و واژه‌های تجسمی متناظر آن‌ها

کلیدواژه‌های تجسمی	ویژگی‌های ظاهری	مفهوم باطنی
نقش کانونی	قرارگیری درخت در خانه پیامبر ﷺ و حضرت علی <small>علیه السلام</small>	این درخت، تجلی ولایت خداوند، پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی <small>علیه السلام</small> است.
مرکزیت	قرارگیری در قلب بهشت	پذیرش این ولایت به عنوان پایه همه فضایل انسانی است.
گسترده‌گی	گسترش شاخه‌های طوبی به تمام غرفه‌های بهشتی	پیوندهای ناگسستگی میان این پیشوایان بزرگ و پیروانشان برقرار است.
ثمربخشی	برخورداری از میوه‌های فراوان و نامحدود	برخورداری از انواع خیرها و برکات، ثمره پذیرش این ولایت خواهد بود.
سایه‌گستری	احاطه درخت طوبی بر بهشت	پذیرش این ولایت، فضیلت جمعی و عمل مشترک همه مؤمنان است.
رعنایی و بلند قامتی	بلندترین درخت بهشتی	تأکیدی بر اهمیت پذیرش ولایت خداوند، پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی <small>علیه السلام</small> نسبت
بزرگی و عظمت	بزرگ‌ترین درخت بهشتی	به دیگر فضایل

شناخت ویژگی‌های ظاهری درخت طوبی و فهم تأویل باطنی آن‌ها در فرهنگ شیعی، نگرشی درونی از حقیقت این نماد را آشکار می‌سازد. بیش از همه، رعنایی، بزرگی، سایه‌گستری، ثمربخشی، گسترده‌گی، مرکزیت و جایگاه کانونی این درخت نمادین، کلیدواژه‌هایی هستند که تصویر مثالین آن را شکل می‌دهند. این تصویر، دستمایه پژوهش‌های بعدی، برای تعمیق معناشناسی گنبدهای شاخص صفوی و کشف ارتباط آن‌ها با درخت طوبی خواهد بود.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابوالقاسمی، لطیف، *هنجار شکلیابی معماری اسلامی ایران*، در مجموعه مقالات معماری ایران - دوره اسلامی، به‌کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶.
۳. استیرلن، هانری، *اصفهان تصویر بهشت*، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۷.
۴. اهری، زهرا، *مکتب اصفهان در شهرسازی: دستور زبان شالوده شهری*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
۵. بمانیان، محمدرضا، *رهیافت‌هایی در تبیین معماری مسلمین*، تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۶.
۶. پیرنیا، محمدکریم، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تدوین غلامحسین معماریان، چاپ دوم، تهران: نشر پژوهنده - نشر معمار، ۱۳۸۲.
۷. تاورینه، ژان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر، ۱۳۷۶.
۸. جوادی آملی، عبدالله، *ولایت در قرآن*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹.
۹. دولاند، دوالیه، *زیبایی‌های ایران*، ترجمه محسن صبا، تهران: انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۷۵.
۱۰. سهروردی، شیخ‌شهاب‌الدین، *عقل سرخ*، تهران: مولی، ۱۳۷۸.
۱۱. شاردن، ژان باتیسته، *سفرنامه شاردن*، ترجمه حسین عریضی، با مقدمه علی دهباشی، تهران: نگاه، ۱۳۶۲.
۱۲. صفایی‌پور، هادی و حسن‌علی پورمند، «معنای پوشش در معماری عصر صفوی»، *مجله هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ش ۴۹، بهار ۱۳۹۱.
۱۳. صفایی‌پور، هادی و غلامحسین معماریان و محمدرضا بمانیان، «بررسی نقش آسمانه در شخیصت‌بخشی به فضا در معماری اسلامی ایران»، *مجله کتاب ماه هنر*، ش ۱۸۰، ص ۱۲-۲۰، شهریور ۱۳۹۲.

۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. چاپ چهارم، ج ۱۱، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.
۱۵. فلاسکی، منصور، نوآوری‌های معمارانه صفوی، دگرگونی برای ماندگاری ارزش‌ها و مفهومی‌ها در معماری ایران، در مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی، چاپ دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۵.
۱۶. قمی، شیخ‌عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه موسوی کلانتری دامغانی، قم: پلام اسلام، ۱۳۷۸.
۱۷. کاشفی سبزواری، مولانا حسین، فتوت‌نامه سلطانی، به‌اهتمام محمدجعفر محبوب، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰.
۱۸. کرین، هانری، «عالم مثال»، مجله‌نامه فرهنگ، ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۲.
۱۹. کرین، هانری، انسان نورانی در تصوف ایرانی، ترجمه فرامرز جواهری‌نیا، چاپ دوم، شیراز: آموزگارخرد، ۱۳۸۳.
۲۰. گنجور: آثار سخن‌سرایان پارسی‌گوی، {پيوسته}، <http://ganjoor.net>، ۱۳۸۹/۰۱/۲۰.
۲۱. لوتی، پیر. سفرنامه به سوی اصفهان، تهران: بی‌نا، ۱۳۷۲.
۲۲. مجلسی، علامه محمدتقی، بحارالانوار، ج ۸، ۱۸، ۲۳، ۲۴ و ۹۴، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۳۶۲.
۲۳. مجموعه آثار معماری سنتی ایران، دوران اسلامی، چاپ سوم، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴.
۲۴. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، چاپ ۳۷، قم: صدرا، ۱۳۸۷.
۲۵. معاریان، غلامحسین، معماری ایرانی: نیارش، تدوین هادی صفایی‌پور، ج ۲، تهران: نغمه دانش، ۱۳۹۱.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۰، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

۲۷. ملاصدرا، صدرالدین شیرازی، *اسفار اربعه*، ج ۴، تهران: بی‌نا، ۱۳۸۲.

۲۸. نرم افزار جامع قرآن کریم، قم: مرکز تولید و پشتیبانی مرکز تحقیقات علوم قرآنی حکیم نور، ۱۳۸۲.

۲۹. نصر، حسین، *مکتب اصفهان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۵.